

مفهوم حاشیه سود و اهمیت محاسبه آن برای شرکت ها

حاشیه سود چیست و چگونه آن را محاسبه کنیم؟

حاشیه سود از نسبت های هزینه های انجام شده یک کسب و کار برای تولید یک محصول بر درآمدهای حاصل از فروش محصول است که نشان دهنده سود آور بودن و یا مضر بودن کسب و کار دارد. در مواردی با تغییر در استراتژی قیمت گذاری برای رسیدن به بالاترین درآمد نهایی و یا کنترل دقیق هزینه ها می توان حاشیه سود را بالا برد و گامی در جهت پیشرفت و توسعه محصول برداشت. در این مقاله از سایت حسابداری میزان به انواع حاشیه سود و نحوه محاسبه آن ها می پردازیم.

تعریف حاشیه سود

حاشیه سود میزان سودآوری است که برای مشخص شدن درآمد سازمان استفاده می شود. حاشیه سود نشان دهنده سود حاصل از تولید واحد های کالا است. که بعد از فروش و کسر مالیات به دست می آید. شما می توانید با کسر هزینه های نهایی تولید از درآمدهای به دست آمده به حاشیه سود برسید. بنابراین می توان گفت میزان حاشیه سود می تواند مقیاس تولید را تغییر بدهد. میزان سودی که در نهایت عاید شرکت می شود با تغییر در مقیاس تولید تغییر می کند. یک سازمان باید همیشه در نظر داشته باشد چند درصد از فروشش تبدیل به سود شد. حاشیه سود یکی از نکات کلیدی برای ارزیابی ریسک است میزان سودآوری کسب و کارها را نشان می دهد. در برخی موارد با بررسی حاشیه سود مدیران به نتیجه می رسند که تولید را افزایش دهند و یا متوقف سازند.

لازم به ذکر است زمانی که هزینه نهایی با درآمد نهایی برابر باشد، حاشیه سود برابر صفر است، در ادامه افزایش تولید لزوما درآمد افزایش پیدا نمی کند حتی در بعضی از موارد درآمد می تواند منفی و یا صفر شود. بنابراین به طور کلی می توان حاشیه سود را اینگونه تعریف کرد

- حاشیه سود افزایش سودی است که از تولید اضافه بدست می آید
- برای به دست آوردن حاشیه سود باید تفاوت هزینه نهایی و درآمد نهایی را بدست آورد
- بررسی حاشیه سود می تواند در میزان تولید نقش داشته باشد.

تمامی شرکت ها تا زمانی که هزینه نهایی برابر با درآمد نهایی شود تولید را افزایش می دهند. این در زمانی است که حاشیه سود به صفر می رسد. در زمانی که حاشیه سود منفی است ممکن است تصمیماتی در جهت توقف تولید گرفته شود. حاشیه بالای سود نشان دهنده کنترل هزینه ها به درآمد است که این کار مستلزم یک مدیریت کارآمد و استراتژی های درست برای قیمت گذاری است.

فرمول محاسبه حاشیه سود

همانطور که اشاره شد برای محاسبه حاشیه سود لازم است، درآمد نهایی که از مقدار فروش بدست می آید و هزینه های نهایی که در ازای تولید محصول حاصل می شود را بدست آورید و مطابق با فرمول محاسبه حاشیه سود عمل نمایید.

$$\text{حاشیه سود} = 1 - (\text{هزینه نهایی} / \text{درآمد نهایی})$$

مطابق آنچه در بالا می بینید هرچقدر نسبت هزینه به درآمد کاهش پیدا کند می توانیم بیشترین مقدار حاشیه سود را داشته باشیم. در مواردی درآمد افزایش پیدا می کند و هزینه پایین است حاشیه سود بالاتر است. در مواردی که یک شرکت فروش پایین تر دارد و هزینه های خود را پایین نگه داشته است. در این قسمت می توان به اهمیت قیمت گذاری بر محصول هم پی برد. قیمت گذاری در حاشیه سود نقش بسزایی دارد. در مواردی که حاشیه سود به اعداد زیر برسد عملکرد یک کسب و کار را مشخص می کند.

- ۱- در مواردی که حاشیه سود بیشتر از ۲۰٪ باشد عملکرد سازمان خوب برآورد می شود
- ۲- در مواردی که بین ۱۰ تا ۲۰٪ باشد می توان گفت که عملکرد سازمان متوسط است
- ۳- در مواردی که زیر ۱۰٪ باشد عملکرد ضعیف برآورد می شود

البته با توجه به نوع صنعت مورد فعالیت می تواند حاشیه سود، عملکرد متفاوتی نسبت به بالا را برآورد کند.

انواع حاشیه سود و محاسبه آن ها

در ادامه با انواع حاشیه سود و نحوه محاسبه آن آشنا می شوید. حاشیه سود ناخالص، حاشیه سود عملیاتی و حاشیه سود خالص به ترتیب این انواع را نشان می دهد که ما بصورت مختصر هر یک را توضیح می دهیم.



- حاشیه سود ناخالص و محاسبه آن

حاشیه سود ناخالص، در ازای دریافت درآمد فروش است و در ازای آن هزینه های مستقیم خدمات محصولات به عنوان هزینه در نظر گرفته می شود. در این حالت حاشیه سود ناخالص حاصل می شود.

• حاشیه سود عملیاتی و محاسبه آن

هزینه هایی که به طور غیر مستقیم با تولید محصول در ارتباط است، از جمله تبلیغات، بازاریابی و تحقیق و تفحص و .. حاشیه سود عملیاتی است.

• حاشیه سود قبل از مالیات محاسبه آن

بعد از مرحله فوق سود بدهی را پرداخت می کند و هرگونه هزینه غیرمعمول یا جریان ورودی غیرمرتبط با کسب و کار اصلی شرکت را با سود حاشیه ای باقی مانده قبل از مالیات، اضافه یا کم می کند و حاشیه سود قبل از مالیات حاصل خواهد شد.

• حاشیه سود خالص و محاسبه آن

در نهایت مالیات باید پرداخت گردد و حاشیه سود خالص به دست می آید. این حاشیه سود ناشی از درآمد خالص نیز است.

حاشیه سود بانکی چیست؟

نسبتهای مالی، ابزارهای بسیار مهمی برای تصمیم گیری درباره سرمایه گذاری هستند و بسیاری از سرمایه گذارها میتوانند با بررسی نسبت های مهم مالی در سرمایه گذاری، سرنوشت پول خود را به رقم بزنند و براساس این معیارها، به سرمایه گذاری بپردازند. به علاوه، نسبتها، ابزارهای مقایسه بانکها هستند و با استفاده از آنها میتوان سهام یک بانک را با سهام بانک دیگر مقایسه کرد. همچنین می توان از آنها برای مقایسه وضعیت موجود یک بانک با وضعیت آن در قبل و دورههای پیشین بهره برد. روی هم رفته، بکارگیری این نسبت ها باعث میشود که بررسیها از قالب ریالی خارج و به نسبتهای قابل مقایسه تبدیل شوند. در واقع، نسبتهای مالی زبان گویای ارقام موجود در صورتهای مالی بانک هستند که با ایجاد ارتباط معنی دار بین این مطالعات، ناگفتنیهای بسیاری را برای تحلیلگران مالی آشکار میسازند. در شرایط کنونی که بانکها به سمت خصوصی سازی حرکت میکنند و رفته رفته نفوذ دولت در بازارهای مالی کمتر میشود، نیاز به تجزیه و تحلیل وضعیت مالی بانکها هم برای سهامداران و هم برای سپرده گذاران مهم میباشد تا سرمایهگذاران و سپردهگذاران با آگاهی الزم و اطمینان در یک مؤسسه سالم و سودآور سرمایه گذاری کنند و به این طریق، حرکت چرخهای اقتصاد جامعه را به سوی رشد و توسعه تسهیل نمایند.

اهمیت و مزایای محاسبه حاشیه سود برای شرکت ها

اهمیت و مزایای حاشیه سود از این جهت است که معیاری برای سنجش عملکرد شرکت است. با حاشیه سود می توان کارایی تولید را مورد بررسی قرار داد و نقطه سر به سر را مشخص نمود. معیاری برای ارزیابی ریسک و سود آوری شرکت است. شما با

نسبت حاشیه سود می توانید ارزیابی از میزان تولید داشته باشید. افزایش هزینه ها و کاهش درآمد می تواند حاشیه سود را به صفر یا عددی منفی برساند که مدیران باید تصمیماتی در جهت تغییر میزان تولی و مدیریت هزینه ها بگیرند.

- کارایی تولید و بررسی ادامه و یا توقف تولید
- ارزیابی ریسک و سود آوری
- حاشیه سود سودی است که از پول کسب شده از تولید یک واحد اضافی است
- مشخص نمودن مقیاس تولید

نحوه محاسبه حاشیه سود در نرم افزار حسابداری میزان